

یادداشت درباره تجارت اسلحه در جهان امروز

بنظر میرسد که امروزه کلیه حکومت‌ها، یعنی حکومت‌های بورژوایی کشورهای جهان دست کم بمیزان بسیار محدودی سلاحهای باصطلاح موردنیاز خویش را از منابع طبعاً کاپیتالیستی دولتی یا خصوصی تولید سلاح در کشور خود فراهم میکنند. و، اگر نه همه آنها، اکثریت بالای آنها از سایر کشورها نیز سلاح وارد میکنند؛ و از سوی بسیاری از کشورها برای دولت‌ها و شاید بعضی افراد عادی و یا جریانهای سیاسی غیردولتی در کشورهای دیگر اسلحه صادر میشود. واضح است که این احتیاج حکومت‌ها - که در این نوشته تنها موردنظر هستند- به اسلحه بطورکلی بمنظور مهار و یا سرکوب مبارزات طبقه کارگر و اقشار اجتماعی میانی در مخالفت با آنها به بیان دیگر علیه سرمایه و عملکردهایش و بمنظور مقابله با طبقات یا اقشار بورژوازی دیگر و نیز امکاناً جریانهای غیر حکومتی (البته بورژوایی) مخالف یا رقیبشان بویژه در جریان اعمال خواسته‌ها و اهداف بین‌المللی و جهانی خود.

در میان کشورهایی که از آنها سلاح صادر میشود، میتوان بعنوان مثال از ایالات متحده آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، و چین نام برد که در دوره زمانی 2014-2019 بزرگترین صادرکنندگان اسلحه در جهان بوده و جمعاً 75% از کل صادرات تسلیحات بین‌المللی را بعهدده داشته‌اند (دویچه وله بزبان فارسی- 2019/3/11، به نقل از منبعی در اینترنت).

امروزه در مقیاس جهانی در میان صادرکنندگان اسلحه امپریالیسم آمریکا بزرگترین صادرکننده و در میان واردکنندگان سلاح حکومت عربستان بزرگترین واردکننده هست.

بعنوان مثال در سال 2019 تعداد 25 شرکت اسلحه‌سازی در سراسر جهان 361 میلیارد دلار از فروش اسلحه کسب کرده‌اند (منبع فوق‌الذکر، مورخ 2019/03/11)، درحالی‌که در دنیا " همین امروزه حدود 811 میلیون نفر سرگرسنه بر بالین می‌گذارند" و " با حدود 30 میلیارد دلار در سال میتوان جمعیت گرسنگان را به صفر رساند" ("تجارت نیوز" 2021/11/02).

و بطورکلی، در هر زمان معین در جهان، میزان تجارت اسلحه و کلی‌تر میزان هزینه‌های نظامی موجود منعکس‌کننده میزان شرایط جنگی بالفعل و بالقوه موجود در مناطق جهان در آن زمان هست- که مثلاً، تاآنجا که من میدانم، اکنون تماماً با پیامدهای تنها بسیار فلاکت‌بار و اسفناکی که دارا هستند. شرایطی که تقلیل و سرانجام امحاء کامل اشان مستلزم مبارزات معینی از سوی طبقه کارگر و متحدین اجتماعی آن است، بخصوص و اساساً شامل مبارزات مربوط به فرایندهای انجام انقلاب اجتماعی سوسیالیستی (البته با فراهم شدن واقعی پیش‌شرطهای اقتصادی-اجتماعی و پیش‌شرطهای فکری و سیاسی آن) برای تحقق بخشیدن به سوسیالیسم و آنگاه گذار به کمونیسم بمفهوم راستین اینها. هیچ راه دیگری جهت امحاء برگشت‌ناپذیر این شرایط وجود ندارد. البته مبارزات کارگران و کسانیکه خود را کمونیست میدانند و همچنین جریانهای بالنسبه مترقی یا صلح‌طلب در این زمینه در هر زمان ممکن است منجر به کاهش اینچنین شرایط جنگی یا در موارد ویژه‌ای منتهی به اتمام جنگهای ناخواسته از نظر طبقه کارگر شود.

حمید پویا

18 نوامبر 2021

توضیح: این نوشته ترجمه مقاله ای با همین عنوان و تاریخ است که من آن را به بزبان انگلیسی نوشته ام و بعد خودم آن را بفارسی برگردانده و درحین این کار اندک اصلاحاتی هم در آن وارد کرده ام. حمید پویا